

افغانستان، برای افغانستان

مردمن! به ملت کمبود امکانات پس از خواندن در بخش و نشر جیحون بخوش

پی آمدهای باند دلال حزب دموکراتیک خلق

من کردیم، که برای اولین بار هم که شده است، به سه‌گانه بسیار مهم، که در رابطه مستقیم با جنبش انقلابی مردم ماست، دست بزنیم:

الف: نتایج تحلیلی بر تجربیات دو سال درون وخشم وحماسه خلق قهرمان افغانستان.

ب: افشای عناصر وابسته، ضدانقلابی و

فرصت طلب، که هر یکی از این تیپ‌ها سعی دارند

تا جنبش مردم افغانستان را، به طرفی بکشانند،

مانند: تلاش باند "شعله" که مذبوحانه می‌کوشند

تا کل جنبش مردم ما را به نفع نیمه‌بر قدرت چینی‌

مدتی نوتی مارکسیسم - لنینیسم جدیدی است

بکشانند، و ماد قیقا، می‌بینیم، که خط "زرد ها" به

همان خط امپریالیسم جهانی منتهی خواهد شد.

چنانچه در صحنه‌های کشمکش‌های بین‌المللی چین به

طور بسیار مسخره‌ای جانب آمریکا را دارد، تا بلوک

هم‌آید فاش شوروی را، یا حتی "جنبش غیر

متعهد ها" را و از این حاست، که تمامی کارهای را که

"شعله" ی‌ها، با تمام شاخه‌های انشعابی‌شان می‌کنند

نوعی گرایش به غرب و لی بانام و نوع چینی‌اش

می‌شماریم، و از این روبه‌یک مبارزه وسیع سیاسی

علیه این "زرد نبو" های وابسته معتقدیم.

و همچنان افشای، گروه‌های اسلامی -

آمریکایی که از رادیو تلویزیون آمریکا، موضع

انقلابی‌شان را ضد روسیه شوروی بیان می‌کنند

و از کنفرانس "ژنو" به زیارت و پای‌بوسی، سادات

کشیف، این سگ زنجیری امپریالیسم و صهیونیسم

می‌روند، و بالاخره تمام جناح‌های وابسته به کمک‌های

ارتجاع خارجی را می‌گوییم، که با راعانداختن

سلام بر خلق قهرمان افغانستان!

و هزاران درود بر همه‌ی آنانیکه در این دو

سال واندی، عاشقانه و مردانه ولی ناآگاهانه، در

سنگر جهاد خلق، ضد حزب دلال دموکراتیک

خلق، در افغانستان عزیز، به مقاومت برخاسته‌اند

و با چنگ و دندان، دشمن تادندان مسلح و متجاوز را

چنان ادب کردند، که یکبار دیگر خاطره‌ی پرافتخار

جنگ‌های ضد انگلیس، و قتل‌عامی خیبر را به یاد ها

آوردند، و بابتش از یک ملیون شهید که در این

مدت، به مادر وطن افغانستان مظلوم هدیه

گرفته‌اند، سربلندی و شکوه خلق‌ناپذیری را به

خریدند... و سلام و صد سلام، بر آن فرزنانگی که

علی‌رغم تحریکات ارتجاع، و ایجاد جوگساذب

مبارزاتی، در راه کارشان، همچنان استوارانه پیش

رفتند، و این مدت را، به غرورده‌ی امام علی بسیار

صبری چون "صبرالامرار" آگاهانه طی کردند و

دچار هوا و هوس‌های نفسانی و طبقاتی نشدند، و به

آگاهی بخشی خلق‌های تحت ستم افغانستان

شتافتند و ثابت کردند، که تنها راه رسیدن به

آرمان‌های والای انقلابی، ایجاد انقلاب، در ریشه‌ها

در اعماق، و آگاهی بخشی توده‌های ملیونی، از طریق

مبارزه‌ی پیگیر سیاسی - نظامی - فرهنگی - منگی بر

روشن‌ترین تحلیل و نتیجه‌گیری از اوضاع و عینیات

جامعه‌است، که موکل به یک تشری انقلابی است.

اینگ که مبارزات برحق خلق مملسان

و قهرمان مادر این مرحله‌ی از جنبش رسیده‌است، و

دارد با تجربه‌گیری وطنی مسیر تکاملی‌اش، به انقلاب

عظیمی در منطقه، تبدیل می‌شود، این ضرورت را



افغانستان، برای افغانستان

ترجمه متن عربی پیام حضرت آیت الله مجاهد سید محمد شیرازی به ملت مسلمان افغانستان

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَنْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا)

مردم مسلمان و قهرمان افغانستان

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

شکست مفتضحانه استعمار ملحد و عقب نشینی ارتش شوروی از افغانستان که نوید پیروزی آسمانی است به شما و به مسلمانان جهان تبریک می گوئیم .

لازم به تذکر است که برادران افغانی بعد از مرحله عقب نشینی ارتش استعماری شوروی، دو کار مهم را انجام دهند .
اول آنکه : افغانستان به آغوش ایران باز گردد و هر دو یک کشور واحد شوند ، زیرا که در اسلام حکومت یکی است چنانچه خداوند متعال می فرماید : ((و در حقیقت این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما)) و پیامبر اکرم (ص) در مدینه اساس حکومت واحد را پایه گذاری کرد ، و تا چند قرن پیش بلاد اسلامی به همین صورت بود ، و — تا قبل از سال و پنجاه سال تقریباً — تا زمان قاجار ایران و افغانستان کشور واحدی بودند تا اینکه هواپرسیها و استعمارگران کشور اسلامی را ملامتی کردند .

اگر چنانچه افغانستان از شرق آزاد گشت و عراق از دست غرب آزاد گردید (باذن الله تعالی) و این دو کشور مسلمان ایران یکی شدند ، کشوری هفتاد میلیونی و دارای قدرتی بزرگ خواهند شد ، که هسته ای برای حکومت اسلامی واحد جهانی که در برگرفته هزار میلیون مسلمان است می گردد (و آن بر خدای توانا دشوار نیست) .

بر ملت مسلمان افغانستان و عراق لازم می دانم که از اکنون تمام نیروهای خود را بسیج کنند چه آنکه علامتهای پیروزی سرنگونی کمونیستها و بعثتها در این دو کشور آشکار گردید ، تا این سه کشور یک حکومت واحد متحد شوند (و خداوند بسیار دهنده است) (اگر خداوند شما را پیروز کند بر شما کسی نتواند پیروز شود) .

دوم آنکه : مردم مسلمان افغانستان که بزرگترین ضربه را به ارتش روس زده که باعث فرار مفتضحانه اش شدند ، همت گماردند تا صد و بیست میلیون مسلمان که زیر دست کمونیسم و استعمار خارجی مدت نیم قرن ایالتهای اسلامی را غصب کردند از قبیل ترکمنستان ، و تاجیکستان ، و قرقیزیا ، و قزاقستان ، و ارمنیام و دیگر ایالتهایی که شوروی آنها را غصب کرده ، برادران مسلمان آن دیار را نجات دهند . که این برادران در شدیدترین انواع ظلم و خفقتان و ترس و وحشت بسر می برند . بر شما و بر تمام مسلمانان جهان واجب است تا به هر وسیله ای که شده این برادران را نجات دهند که خداوند می فرماید : (شما را چه شده که در راه خدا و نجات مستضعفین جهاد نمی کنید) نباید از ارتش روس که خرس کاغذی است بهراسید .

و چنانچه ککهای صنعتی و غذائی آمریکا نبود هر آینه بخودی خود سرنگون می گشت گر چه به اذن خدا به هر حال سرنگون شده است ، که پیروزی از آن مسلمانان است و نابودی از برای ملحدین .

(رَبَّنَا اغْنِ عَلَيْنَا مِنْ بَرَاءَةِ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ . . . فَهَؤُلَاءِ هُمُ الْبَارِعُونَ) و هو المستعان

۱۶ شعبان / ۱۴۰۰ هـ قم مقدس

محمد بن مهدی الحسینی شیرازی

کتابان با اطلاعات /
پنجشنبه چهار خرداد ۱۳۵۹

گزارش روزنامه عرب زبان:

عربستان سعودی به مخالفان دولت افغانستان کمک مالی میکند

کشورهای منطقه این پیشنهاد را تأیید کرده و از عربستان سعودی درخواست آن را هرچه زودتر اجرا میکند تا از خطرانی که امنیت منطقه را تهدید می کند، پیشگیری بشود.

عربستان سعودی تاکنون در این زمینه اقداماتی کرده و لذا دیری نخواهد پاید که ایجاد هیمن امنیت خلیج فارس به یزودی اعلام خواهد شد.

از سوی دیگر روزنامه کویتی لاتیب در گزارشی از پاریس خبر میدهد عربستان سعودی برای تشکیل یک نیروی بازدارنده امنیتی آفریقایی کمک مالی لازم را تأمین خواهد کرد.

این روزنامه به نقل از منابع آفریقایی در پایتخت فرانسه گزارش میدهد عربستان سعودی در رأس یک گروه از کشورهای آفریقایی از جمله مصر و مغرب از تشکیل چنین نیروی حمایت کرده است.

این طرح همچنین از طرف کشورهای غربی پیروزه آمریکا و فرانسه حمایت میشود.

الانیا میگوید این مسئله قسمت مهمی از سیاست عربستان سعودی و وزیر امور خارجه عربستان و رئیس جمهوری فرانسه در دیار هوشیه آینده آنها خواهد بود.



لندن - خبرگزاری فرانسه - سیاستنامه عربستان سعودی که در لندن چاپ میشود، دیروز نوشت عربستان سعودی هزینه مالی سنگین سپارده شده به هیمن افغانستان را تأمین می کند.

بگزارش روزنامه سعودی به شصت مهم مسلمان (سینایی) مبلغ هنگفتی پول از عربستان سعودی دریافت کرده تا اسلحه و جواهرات مساجد را به حمله به رژیم تازه افغانستان (ضمن لیسار) جاسه) تشویق کند.

همچنین به آیهایی جاسات دستور داده شده ایمن رژیم را بتواند و گانون بی حساسی به نگاهش بگذرد.

از کشین حکومتی عرب زبان و المماره چلی استیضاح میشود نوشت عربستان سعودی به کشورهای منطقه خطبه فارس و آفریقایی برای امنیت جاسی منطقه ارائه کرده است.

پاییده و المماره بسیاری از

شوروی نیروی هوایی افغانستان را تقویت می کند

تاس: مجمع عالی شوراهای شوروی اقامت موقت نیروهای ارتش در افغانستان را تصویب کرده

کابل (افغانستان) - خبرگزاری - با خبرگزاریهای رسیده از افغانستان، روز گذشته ۸ جت جنگنده شوروی بر فراز آسمان کابل به پرواز درآمدند.

این هواپیماها از فرودگاه نزدیک کابل حرکت کرده بودند. جنگ اعلام شده بین نیروهای حکومتی افغانستان به حمایت شوروی و مسلمانان این کشور همچنان ادامه دارد در حال حاضر حداقل ۸ جت از ارتش شوروی در افغانستان متمرکز شده اند. منابع دیپلماتیک بازرگی گفتند که شوروی تجهیزات نیروهای هوایی را در افغانستان تقویت میکند. تعداد نرات ارتش شوروی بنابه تخمین دیپلماتهای خارجی بین ۸۰ تا صد

هزار نفر برآورد شده است. این منابع همچنین تخمین میزنند که در هفته های آینده این تعداد افزایش نیز پیدا کند.

از سوی دیگر بنابر گزارش شوراهای این کشور لایحه اقامت موقت نیروهای ارتش شوروی در افغانستان را تصویب کرد در ضمن در مشهد یک گروه به حمایت از مسلمانان افغانستان و بنسبیت بزرگداشت خاطره کسانی که در این جنگ جان خود را از دست داده اند، یک راهپیمایی ترتیب داد.

یک روزنامه دست چپ لبنانی از کابل گزارش داد که محمد دوست وزیر امور خارجه افغانستان روز چهارشنبه آینده در نخستین مرحله سفر خود میانه های خود به لبنان خواهد رفت. او قرار است در این سفر از کشورهای سوریه، لبنان، الجزایر و عراق بازدید کند. او ضمن اقامت در بیروت پیام برک کابل را به پاریس و سایر ملات سازمان آزادیبخش فلسطین تسلیم خواهد کرد.



و چون کنترل مردم هم از دست گروه ها و هم از دست دولت خارج بوده مردم لبریز از خشم و فرباد، با یک دندی سیاسی وجهه معامله طرفین قرار گرفته و با به جا گذاشتن بیش از ۲۵۰۰ شهید، یکبار دیگر سرکوب و به شاس کشانده شد. از آنظر دولت حاضر غذای تبلیغاتی خوبی بدست آورد و از آنظر طرف ارتجاع نیز حساب نانش را بهخت. زیرا دولت حاکم بر افغانستان به خارج طوری نعا پانده که اینها اعلام مبارزه سیاسی را نمی بینند، و جز ضرورت و وحشت و جنگ افروزی کاری ندارند. پس آفریگانی اند. و ارتجاع هم به عنوان ستون پنجم امپریالیسم خوش خدمتی اش را نشان داده

قیومیت ایران و مسئله افغانستان

○ هموطنان! به علت کمبود امکانات پس از خواندن در بخش و نشر جیحون بکوش.



گروههای وابسته به اوجاع ایران، که تا خرخره غرق نوازشهای پادشاهی "حزب جمهوری" اند، نمی توانند اینها را بپذیرند، ولی آیا همه ی شرایط خابیزخنده شده اند؟

آری است و هم شناخته شده، و کافی است که به یاد "عموم" و "بهر" گیر! یعنی، و قضیه فلسطین و ویتنام و یوگوسلاوی و ایرلند و خلق های آمریکای لاتین را پیش چشم تجمیع ببینیم. اما، در این مقال، تنها به قیومیت ایران و پیرامون مذهبی در نفوذ و گردانندگان باند "حزب جمهوری" به عنوان واسطه این جریان در منطقه، و خوشنام و نشان ترین زاویه، در ملک دست در آتش مسئله افغانستان، آمریکا لیستها، چپ نامهای مارکسیست، و راستهای مذهبی - ارتجاعی، اشاره می کنیم. زیرا که تا حدی امکانات بسیار کم و فضای اندیشه ای از دلبستگی، و انگیزه یون حاکم مذهبی در منطقه بسیار قدرت مند و بی رحم است. و اینها همه، حوصله ی کار را را گشت می دهد. و مجبوریم که فهرست وار از قضیه بگذریم. و بیشتر هم وغم ما اینست که پس از دو سال فاجعه، که در افغانستان مظلوم پدید آورده است، خطی اصولی بکشیم و چپیت و هدفی، تا این همه آلت فعل فاجعه قرار نگرفته، و وجه المعامله ای طرفهای درگیر نشویم. گوشه ی بزمی است تا آغاز یک کار اصولی - مکتبی روشن، و خط انقلابی مبارزاتی، در تاریخ افغانستان کشیده شود.

اینک وارد بحث می شویم، و می پردازیم به قیومیت ایران و مسئله افغانستان. و پیش از ورود به بحث بد نیست که مفاهیم "قیومیت" را در قالب سیاسی - حقوقی آن درک کنیم. "قیومیت" یک تاسیس رسمی المطلق است که به موجب آن، دولتهای به عنوان قیم، زیر نظارت سازمان ملل متحد تعهداتی برای اداره ی سرزمینهای خاص به عهده می گیرند تا آن سرزمینها را به سوی خود مختاری یا استقلال پیش برند. اگر چه ممکن است هدف همیشه استقلال نباشد (ممکنست سرزمین تحت قیومیت به صورت واحد خود مختار اداره شود) اما قیم حق پیروندادن سرزمین تحت قیومیت را به خاک خود ندارد.

سیستم قیومیت سازمان ملل متحد جانشین این سیستم در جامعه ملل است که به موجب ماده ی ۲۲ میثاق جامعه به وجود آمده بود. به موجب این ماده سرزمینهای تحت قیومیت از حاکمیت دولتهای فلسطی خارج می شد، اما چون در این سرزمینها "مردمانی ساکن هستند که نمی توانند در وضع دنیای جدید روی پای خود بایستند" تحت قیومیت قرار می گرفتند (۱).

حضور ایران در سه کنفرانس تشکیل شده در باره ی افغانستان، و آری وضعی مقامات ایران در رابطه با راه حل های سیاسی و غیر سیاسی، و دست در آتش ایران، در رابطه با تقویت گروههای بسیار ارتجاعی و عینا "امریکایی"، و کمکها و مساعدت های بی دریغ ایران در پرورش رشد گروهها و دسته های "آدم کش" و "قاچاقچی" و "دزد"، و بالاخره فتوایهای مختلف و نسخه های متفاوت و حتی متناقض مقامات ایرانی در موضوع افغانستان، کلا "قیومیت ایران" را در "مسئله افغانستان" نشان می دهد.

اگر ایران از یک موضع ایدئولوژیک با قضیه ی افغانستان برخورد می کند، معیار این نحوه ی برخورد در چیست؟ آیا سرهم بند کردن مسلح نمودن نزدیک به ۳۰ گروه متضاد یک موضع ایدئولوژیک است؟ آیا قبل از آنکه اطلاع و آگاهی از وضع افغانستان، و تمایزهای درون خلقی و جامعه های که این نحوه ی برخورد به بار می آورد، حاصل گردد، باشیم، دسته چین بازی های زدن، برخورد مکتبی است؟ آیا چنانچه از یک طرف، دولت ایران، با فاجعه ای که خود نیز در آن شریک است

مراجعه با اوضاع دو سال اخیر افغانستان، و دقیقه "پس از" روزهای انقلاب مردم نشان ایران، نظرها و پیشنهادها را ارائه شده است، که کلا "به دو گونه تقسیم می شوند: الف. نظریه ها و موضع گیری های مجامع مترقی و روشن فکر و چپ ناما و سوسیالیستی

ب. نظریه ها و پیشنهاد های حوزهای مذهبی، شخصیتها، ممالک، احزاب و دسته های راست و امپریالیستی. با دقتی اندک به هر دو تئوری اینها، "فورا" از خود می پرسیم که: "حسود بملت افغانستان چه می گوید اگر ادهی ملت افغانستان چیست؟ چرا ملتی که آئینه عظمت و سابقه ی تاریخی دارد، "کارشبه قیومیت" کشند، و با تارت "ایران" و زیر فیس واقعه فکرمزاده به جهان معرفی شود؟

در رابطه با همین موضوع بود که، "جیحون" به راه افتاد. در واقع زبان "جیحون" نوعی زبان استدلال مبتنی بر استدلال و مدارک است. ما با ارتقای مدارک و اسنادی ربط، هر موضوعی را آغاز می کنیم، و آنگاه، انگار عمومی راه قضاوت می گیریم، تا چه بار آید از این همه تئوریا اینک، در این شماره به قیومیت ایران و مسئله افغانستان "شخصی" داریم. و گوشه ی بزمی این است تا با دست اندرکاران "قیومیت" ایرانی، سخن بگوییم. و روی سخن ما، به سوی تئورهای لایچیک روسی - آمریکایی ایران نیست. منظور نظرها گمانست که هم در بین مشکلات مختلف مردم ما، پایگاه اجتماعی دارند و هم نفوذ مذهبی و تعیین کننده، و به آسانی می توانند با یک "حکم" و "فتوا" انبوهی از مردم را، "جوتوپا" و "تاکمیر" کنند. که فرستاده اند و دارند می فرستند.

و از دور، دست بر آتش دارند! و بوسه به پیغام می فرستند. و خلق خدا را از هست و نبودشان، ساقط فرموده اند. و در واقع، هر چیزی که در رابطه با همین "عموم الناس" باشد، در رابطه با کار ما نیز هست. به نظرم ما هم مجامع مترقی و روشن فکری و چپ ناما و سوسیالیستی دنیا، و به ویژه در منطقه ی اسلامی، به خطا رفته اند، و هم حوزهای مذهبی، شخصیتها، ممالک، احزاب و دسته های راستی و امپریالیستی، دسته ی اول برای اینکه، اینها از پس سوسیالیزه شده اند، همین که نام تئوریا را می شنیدند، ملتی گردن بانگها و شرکتها، و سوسیالیسم را در یک جای دنیا شنیدند، "فورا" عطسه شان می آید، و دگام روشن فکری می گیرند. و آنگاه بی آنکه واقع امر را ببینند، می پردازند به توجیه و تاویل مسئله، و طوری وانمود می کنند، که انگار از متن فاجعه و حادثه آمده اند. در حالیکه یک لحظه هم در فضای عینیت و واقعیت امر قرار نگرفته و نمی گیرند و لذا به روایت اثنوپای ذهنی شان می پردازند، و شروع می کنند به تشخیر گفته های "مارکس" مرحوم! "مرحوم"!

اما دسته ی دوم، یا بیشتر مسئله را استخارهای گشت می کنند، و با دقیقه "بانیات" و آمال پلید توسعه طلبانه و جهانخواهانه، با قضیه، برخورد می نمایند. که در هر حال نتیجه بسیار مرگبار و وحشت زا است. چه، اگر استخارهای (۱) عمل کردی و قانون مندی های دقیق سیاسی را، در عینیت وجودی آنها، نادیده گرفتی، صدر هد باید سر از سازمان ملل و بالاخره از بلوک غرب در بیاری. و اگر هم با یک دگماتسم واپس گراییانه، و زیر پوشش سوسیالیسم چندیدی، باید سر از "کمیتن" و "کمیتن" در بیاری. و دیگر از نوع برخورد های توسعه طلبانه و جهان خوارانه چیزی نمی گوئیم، که این شیوه ی برخورد برای همه، هم تنوع

(۱) مراجعه شود به هزوی. "افغانستان را در بایم" صفحه ی

از دود سبل مهاجران به جان رسیده افغانستان شديداً جلو
است. دو نيمگي براي مهاجرين افغانستاني دهم ايران، به
زور که دور از کلي آدم بلند مي شود، و از طرف ديگر، جنگ
افغانستان را گسترش مي بخشد، و زير زيرکي، و بدون کدام
تنگنا، ترسيم مي کند. از يك طرف همين حزب جمهوري
افغانستان مي مانند. جمعيت اسلامي را، افشا مي کند (هر چند
مردمي که با شانه اواز سوي ديگر رهبر اين باند را در هتل "قدس"
و در پشتوانه امنيت بي شانه اي استقبال و مهمان نوازي مي کند، و
در اختيارش مي گذارد، و در روز قدس زير سخنراني
مردمي که با سونبا يکي از سردمداران حزب جمهوري، در
ميدان بزرگ به ۳-۴ گروه متولد سال ۵۸-۵۹ دست مي يازد، و
مردمي که با سوار "خط امام" مي کند، و انقلاب ايران را از اين طريق
به افغانستان موعظ مي کند. و از سوي ديگر طرح "جبهه آزادي بخش
افغانستان" را مي نويسد، و با اعمال قدرت، عملي اش
مي کند. و بالا سر يک جانب، به گفتمان هاي ساخت آمريکا مي رود،
و در ولايت فقيه، چند عدد نفايده هاي گروه هاي آمريکايي
افغانستان را به طور جاني و با استفاده از تخصص حضرت قطب زاده،
که در اين تيم تخصص برحق اند، به نفايدي خلق مسلمان افغانستان
معي مي کند. و به گفتمان معرشي مي نفايد، و از جانب ديگر در مشايه
جانب افغانستان سايران سياکستان شرکت مي کند. و افکاي قطب
زاده رسماً در باره قيمومت افغانستان و نقش ايران، موضع ايران را
تصریح مي نماياند.

اينها، همه، چه چيزي را مي رسانند؟ چرا ايران دوشادوش دولت
ارتجاعی پاکستان و ارتجاع منطقه، دقيقاً و عملاً در خط غرب حرکت
مي کند، و در لفظ سخنراني هاي فارسي - عربي نماز جمعه، ضد خط
غرب و شرق داد سخن مي دهد؟ اين دو شخصيتي از کجا ناشي مي شود؟
و با داشتن موضع گيتي و اصولي، چگونه مي شود "قيمومت" يک ملت
ايران ورزده و پشتار را عملاً به کار بست، و خود را در راس حل
نصيب قرار داد. و تعدادي درون خلقي ايران را، با وضعي که در
افغانستان به رانداخت، انحراف داد؟ چگونه چندان بشري و انساني
تا حکم مي کند، که چه به روز افغانستان مظلوم آورد؟ اقيم هاي
ايراني، و در خون يک مليون شهيد، و مليون ها نفر فراري و سر در
گمشت ما شريکند. گروه هاي وابسته به ارتجاع ايران، که تا خرخره
فرق ميان راهي با دارايي "حزب جمهوري" اند، نمي توانند اينها را
بگويند. ولي آنچه شرافت ها خريده شده است؟ آيا هيچ کسي نيست
که آتش باري "حزب جمهوري" و ليبراليست هاي شرمگين ايران را فریاد
کند؟

آيا واقعاً حق برخورد سياسي - حقوقي ايران، حق قيمومت
است؟ يا طرح عملي قيمومت، براي ايران ناکلامي و باطل مي ننگ نيست؟
آيا واقعاً در افغانستان "مردماني ساکن هستند که نمي توانند در وضع
سياسي جديد روي پای خود بپايندند" و بايد تحت قيمومت ايران و
پاکستان و ارتجاع چين و شوخ شيخان عرب قرار بگيرند؟
اگر چنين نيست، چرا ايران در حل مسئله افغانستان خود يک
نصيب ندارد؟ چرا در حل قسيمي افغانستان، ايران و پاکستان و دولت
دست نشاندني روس، طرف هاي قسيمي قرار گيرند؟ چرا عملاً با حيثيت
و آبرو و سربوشت جنبش مردم مسلمان افغانستان بازی شود؟
... اينک ما باطل شهرين مداري گويي هاي قيم هاي ايراني، و حتي
مدافعين کويي دولت دست نشاندني روس، مانند حزب دلال توده، و حتي
همچنان طرفداري هاي ارتجاع چين و پاکستان و عربي، تصريح مي
کنيم: که افغانستان يک کشور اسلامي، زير اشغال متجاوزين احقر روس
است. که با نبرد مستمر و دلاورانه ي عاري از دست اندرکاري ارتجاع
منطقه به حل قاطع مسئله، به نفع مردم مسلمان افغانستان، و با موضع
عدالتگري و ضد امپريالستي به سربوشت سياسي خود خواهد رسيد.
و هرگونه دخالت و قيمومت ارتجاع منطقه، جز تداوم عمار اشاکلوران
روسي در افغانستان و تشويق تيرهاي درون خلقي و تشويق موقعت
گاري از پيش خواهد برد. ما معتقديم، همانگونه که عملگردهاي
امپرياليزم و احسان هاي روسها، به رشد ارتجاع و تحکيم مواضع امپري
اليزم در منطقه منتهي شده است، رشد ارتجاع و تحکيم مواضع
امپرياليزم، به بگا و وجود اشاکلوران روسي در افغانستان منتهي
خواهد شد. و لذا بپروان آوردن قسيمي افغانستان از منافع دو ابر قدرت
و ارتجاع منطقه، و مستقل کردن تيرهاي خلق مسلمان افغانستان، و
مستقل کردن حل مسئله افغانستان، تنها و تنها به پايان دادن اصل
مسئله غير وابسته به ارتجاع منطقه، و بر حاشيه از من ملت افغانستان
و سربوشتي و پشتار و زرمندگي و نودين گونه است که نه "قيمومت"
سياسي و انساني و شرافتمندانه را نيم - و نه "قيمومت" شرعي را،
در هر حال "قيمومت" شرعي، در همين شماره از آيات شريعتي را،
در اين ابيدي الکثيري در نمونه هاي مي آوريم، و در آيات
موضع گيري هاي غلبه و ارتجاعی، و در آيات
سياسي و انساني شريعتي را مانند

گفتار هزاران انسان افغانستاني شد. در حالیکه گذشته از شخصيت
سياسي ايران پشت تي آقاي شريعتدار و موفقه ايشان در برابر دشمن
شاه، و غير انقلابي بودن ايشان در شمل و حرف، در طول ۱۸ سال
مبارزاتي جبر و موضع گيري ايشان در رابطه با قيام يازده خرداد، و
حتي ارتباطات گنگ شان با دلال آمريکايي، روحان الدين ريانی، و اعمال
"جهنمگري" آن حضرت، به خاطر عدم لياقت شان در آگاهي سياسي از
وضع درون خلقي افغانستان، نوعي "قيمومت" شرعي را مي رساند، که
اگر در ايران نتوانستي يک شيعه ي علوي باشي، در افغانستان که مي تواني
باشي، و باش و آقا هم شد، که چه شد! به همين گونه شب و تلاش ايد. که
روحاني را بپيچيد، که "ماگاريوس" وار وار در سازمان ملل شده است، و
براي نجات افغانستان سينه چاک کرده است، حالاً تيرس که براي ايران
چه کردی؟ او خدای نخواست با برادران نیز کدام "افکاي ياد" بهتر
است تلگراف هاي ايشان را در مقايسه و لنس ايشان با هم بخوانيد.
افکاي ابن المهدی مردی مجاهد و شريک و آگاه، و آن وقت آن خلقي
تفکر که در نامه ي ايشان متبادر است، که جز تشديد اختلافات درون
ملتي، چيزي همراه ندارد، چنانچه درباره ي بحرين، افکاي روحاني هم
همين کار را کردند. و ديديم که چه شد. و آن خيالات ايشان، که برون
و گنگ را بگيريد. در حالیکه در افغانستان مردم حتی وضع شان
خوردن "يوته" که به "رشقه" معروف است نمي رسد، و آقا هم فرماييد
مي کنند که برويد مسلمان هاي شوروي را جاکنيد و فلان جاها را بگيريد
و آقا که:

از گرامات شيخ ما اينست
شيره را خور و گفت شيرين است

○ از "فاجعه" به "فلاح"

با درک اين مطلب که به قيمومت سياسي "و نه" قيمومت
ميت شرعي گره گشاي گره کور مسئله افغانستان است، و
راه حل دقيق و درست مسئله افغانستان، در جدا کردن
افغانستان، از منافع امپرياليسها و در راس همي امپرياليسم
امپرياليسم آمريکا، رويز يونيسه هاي تاج و زرگروسي
و ارتجاع سپاه و زرد منطقه است، يک تک حضور تيرهاي قاطع
خارجي، و دخالت آنها در قسيمي افغانستان، بخوديه
مسئله افغانستان را بفرج ترميکند، و هر آن ما را از راه
حل صحيح و سياسي قضي به جنگ هاي خامسان براندارد و
هدف، و بدنيجه ي داخلي فرق ميکند، و جز تشويق سنگر
درون خلقي و تيرهاي عملي و مردمي، و کشتار و قتل و چپا و
ومرغ و قتل و فقر، نيميسي ديگري نخواهيم داشت.
و ارايم رو بايد چگونه عمل کرد؟ به اين نظريه را تحليل
کرد، بدبين گونه که، اينک به جايي رسيده ايم که بايد هر سيم
گفته شد، حالاً بايد راه حل و علاج و درمان فاجعه چيست؟
ما ميگويم که فاجعه را تنها از يک راه مي توان بايد
ساخت و به جاي آن "فلاح" را نشانند. و آن راه اين است که
علل فاجعه را بشناسيم، عوامل را اطلعي و فرعي بشناسيم
شدت و حدت خطرات درک کنيم، و پس از آن "آلات فاجعه" را
کشف کنيم، و راهي را که فاجعه پيش گرفته است بشناسيم.

آنگاه اولين و مهمترين سريه ها را به ريشه ها و اصل
هاي فاجعه وارد ساخته، و با ويران کردن راس فاجعه، "آلات
فاجعه" را نابود کنيم، و ايراسيون کردن فاجعه، "آلات
کا رسدي ما، شناخت "فلاح" و تشايب ترين را براي رسيدن
کردن آن مي باشد.
فاجعه امپرياليسم است و در افغانستان به طور خاص
اينک روس اشاکلور متجاوز است، "آلات فاجعه"، ارتجاع
منطقه، و ارتجاع حامد داخلي است. و راه فاجعه، تشديد جنگ
هاي بي هدف و بي پايان داخلي در منطقه و در افغانستان
است. و جهت آن هم مدد در نفع تيرهاي درون خلقي و
بشري و مدد مردمي است. با افشا، و معرفي و آگاهي دادن مردم
و حضور در صحنه ها يميني جامعه، با روش هاي سازمان يافته
و اصولي و انقلابي، و تشويق و تشکيل تيرهاي لايزال مردمي
در صفوف ارتجاع اسلامي خلقي، و با جهتي غذا امپرياليسمي
و عداوت اشاکلور و ارتجاع، و اولين قدم را در اين رابطه
برداشته ايم، افشا و معرفي با يگا هاي امپرياليسم
در فاک هاي ارتجاع منطقه و ارتجاع داخلي، و در آيات
حريان هم عملت يکي از مهمترين کارها ديگر
رابطه است.
گونه از اشالات فاجعه نيز

خلق مسلمان

مشتبه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸
بوابر با ۲ جمادی الثانی ۱۳۹۹

دو تلگراف مرجع مجاهد آیت الله العظمی روحانی راجع به افغانستان

د بهر گل محترم سازمان ملل

محتوماً توجه شما به وضع افغانستان
مسلمانان افغانستان معذوف می‌دارد.
کشتل عام مردم، بمباران دهکده‌ها،
توقیف غیرقانونی مردم و علمای بزرگ که همگی
بر خلاف قوانین اسلام و حقوق بشر است، در
افغانستان ادامه دارد.
بخاطر انسانیت و حفظ حقوق بشر که
گویا سازمان ملل طرفدار آنست هیئت برای
بررسی اوضاع افغانستان بفرستید و از قتل
عام مردم بی گناه جلوگیری نمایند.
والسلام علیکم ورحمة الله
قم - محمد صادق الحسینی الروحانی

جناب آقای محمد تره گسی - گابل
قتل عام مردم مسلمان افغانستان و
دستگیری علمای بزرگ موجب تأسف عموم
مسلمانان است.
رهبران افغانستان پس از کودتا اعلام
داشتند که به اسلام احترام خواهند گذاشت

ولی در عمل چنین نکردند و هم اکنون ملل
عام مردم و توقیف غیرقانونی صدها هزار
علمای محترم شیعه و سنی ادامه دارد.
بکار بردن اتهام محصوره ارتجاع که
ظاهر شاه و داودخان و محمد رضا پهلوی و
انورسادات در مورد مسلمانان می‌باشد بکار
برده‌اند و می‌برند، مشکل شما را حل نخواهد
کرد و سرنوشت آنان در انتظار همه مشتکشان
است.
آقای تره گسی! هواداری زبیراداران مسلمان
دخالت در امور داخل کشور شما نیست که
رادیو مسکو بیان حمله می‌کند، بلکه قتل عام
مسلمانان، بمباران دهکده‌های افغانستان
بوسیله مستشاران خارجی، دخالت بیگانه
در امور کشور است.
از سرنوشت محتوم دیکتاتورهای جهان
عبرت باید گرفت و به خواستهای ملت مسلمان
افغانستان کردن باید نهاد.
والسلام علیکم ورحمة الله
قم - محمد صادق الحسینی الروحانی

این نشریه به هیچ گروه و دسته وابسته
نیست و هیچ مکانی هم در تکتیر دسترسندار رسم
هیومطن رهبر که هستی در تکتیر و پختن چمن یکوش

اولاً این گونه جنگیدن، یعنی سبای آمریکا و غرب
شدن است، و ثانیاً منحرف شدن جنگ، از خدیشی
هرگونه الحاد و فساد به نوعی الحاد و فساد است
لذا، درهم کوبیدن مواضع ارتجاع، به مثاب
آزاد کردن نیروهای درون خلقی است برای یک
جنگ بهتر با مواضع والاییدشولوزیک. تا وقتی
که همه ی نیروهای یک جا معه در یک صف متشکل
باشند تا خشمی وحدت ایدشولوزیک، وحدت استراتژی
وحدت تشکیلاتی، قرار نگرفته‌اند، هر نوع حرکت
به معنی خودکشی و خوش خدمتی به امپریالیسم
و ارتجاع است.

پسین است که باید، همه ی آنها بی را که از آمریکا
و چین و شیوخ شیطان عرب و ارتجاع منطقه کمک دریافت
می کنند، رسوا کرد. و نیروهایی که به باطل
دور اینها جمع شده اند را آگاه نموده و آزاد ساخت
و با تشکیل صف مرصوسی، نه تنها سبای دست نشاند
روسی را، به‌دار کردارشان آویخت، که ریشه ی هرگونه
فساد و الحاد و دو وجه انحراری
را از بیخ و بن برکنند، و مرزهای تزویری را درهم
کوبید، و با سیخ همه ی خلقهای منطقه راه را
تافتح قلعه های قرن و مرگ امپریالیسم و صهیونیسم
و ارتجاع و الحاد به پیش برد.

با این نگاه و کار است، که باید مرتجعین
افشاء شوند، باید بین اسلام انقلابی و ارتجاعی
خندقی کنده شود، هر چند این کار مشکلاتی را با خود
همراه داشته باشد. اما بدون صف مرصوسی چگونه
می توان با دشمنان اصلی و بزرگ جنگید؟ وقت
در سیاست قاسطین و ساکنین و ما رفین وجود داشت
نمی توانی سرما و به ی زمانت پیروز شوی، و جنگ
هم بی نتیجه است. اما، چون مفت پاک و مرصوس
شد، حتی اگر ۷۲ تن باقی، جنگ، و پیروزی
و ما نیز باید نقطه ی انگاه، بود، کیف راقص
بدیم، و نه کم را، چنانچه سقوط شاه در ایران
با تسبیح صورت آسمان، و شکست واضح روسها
را به کم می رساند.

بیا نیر مرجع مجاهد و عالمی در شیمان حضرت آیت الله العظمی
آقای شریعتداری خطاب به مسلمانان جهان درباره حوادث
افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

برای آگاهی مردم مبارز و قهرمان ایران و همه مسلمانان حق طلب جهان
خبر دلت ایران از مشکلات و معائب ناشی از بیدادگرهای رژیم
خودکام سابق، تاریخ نگریده که معالیه حوادث و وحشتناک و تکان دهنده ی
ایران، سوادگران، و خواهران مسلمان ما در افغانستان بوجود آمده است. این
حوادث و زلزلات به دست حکومت عدل اسلامی افغانستان صورت گرفته که با هبایت
در این کشور جریان دارد. امروز مسلمانان بی دفاع افغان مجرم اعتقاد به
اسلام، به خاطر حق ملی و آزادخواهی و داشتن علاقه و پیوند برادری
و اسلامی با ملت ایران تحت شدیدترین شکنجه های قرون وسطایی قرار گرفته
و اشیاء و مصادات سنگینی دیده و خاک و خون گشیده میشوند اطلاعات
رسیده حاکی از آنست که حکومت افغانستان طی چند ماه اخیر اجتماعات
مردم مسلمان را در پارهای از مناطق در ایالت های توکهار، کندهار، بستان،
اندکوتان، قندهار و فرمانداری خست در جنوب و شمال در ایالت پروان
بمباران کرده و در نتیجه هزاران نفر را نابود ساخته است و همچنین از قرار
مسموع تاکنون بیش از ۵۰۰۰ نفر از علماء، خطباء، نویسندگان و دانشمندان
عالمی در آستانه ی و بزدان افکنده و بطوریکه بعضی از خبرگزاریها خبر می دهند
حدود ۱۶۰۰ نفر از آنان بمردم گردیده اند و بالاخره هزاران نفر از مردم مبارز
و مسلمان افغان نیز در اثر تعقیب دولت به کشورهای مجاور پناهنده شده اند.
امروز در افغانستان آنچنان محبت و وحشتناکی از اختناق و سانسور و
شکنجه و قتل حکمفرما گردیده که تاکنون خبرگزاریهای جهان نیز بخوبی
نتوانسته اند متعین کنند قیام آنها باشند لذا به حکم وظیفه انسانی و
اسلامی بشما مسلمانان جهان اعلام می داریم که پندای مظلومیت ملت
مسلمان افغانستان را بخاطر شهادت دهند و اعتراض خود را با بیگانه اعمال وحشتناک
و غنای اسلامی آشکار سازند و با مراجعه به سازمانها و مراجع بین المللی و
حقوق بشر و از طریق جراید و نشریات می‌توانند به سیاست خصمانه حکومت افغانستان
و است به مسلمانان مظلوم و بی دفاع آن کشور محکوم و تکیه نمایند.
از خداوند متعال دفع شر اشرار و دشمنان اسلام را از بلاد اسلامی
بمحرمین افغانستان مسئلت داریم.

سید کاظم شریعتداری

خواهیم یافت. و هجوم به این پایگاه های شیطان، و قرار
دادن خلق بزرگ جریان انقلابی و آگاهی بخش به گونه ی
سبح انقلابی و نیروهای مردم، با شاخه های انقلابی و آگاهی بخش
بالیستی و ضد ارتجاعی و ضد اشغالگری و تجا و زکری میراست
و قتی امپریالیسم به عنوان یک اصل در برابر ارتجاع
قرار گرفت، کافی نیست که ارتجاع تنها فرعی شمرده
شود. لازم است، که درجه ی حادیت ارتجاع و رابطه
و حساسیت ارتباطی آن را با اصل بشناسیم. چنانچه
کاهی می‌شود، که خشکاندن ریشه های ارتجاعی
نستقیمانه خشکاندن ریشه های امپریالیسم است
منتهی می گردد. و بالا آنگاه جهت ضد امپریالیسم
کردن نبرد و هشت، در هجوم بر ارتجاع و درهم
کوبیدن مواضع آن است. ارتجاع دست است
جهانخواه راست، شما اگر به قطع دست نازل آمدید،
جهت جنگ ثان ارتجاع های ارتجاعی، سرخدارتجاعی
تعمیر کرده است. و با تشکیل هر چه بیشتر، و ادامه ی
جنگ رها می بشن و آگاهانه، سبک می‌زنند و در روی
امپریالیسم خواهد بستاد.

و قتی در افغانستان، تمام هم و غم رهبران
مرتجع گروه ها فقط و فقط جنگ با الحاد و کمونیسم
و شوروی باشد. و از آمریکایی عنوان "جهان آزاد" یاد
و کمک های بی دریغی از "جهان آزاد" و از طریق
ارتجاع منطقه به ارتجاع داخلی داده شود
و با بدو با جهت جنگ را امپریالیستی دانست. زیرا



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۲